

به نام خدا

منصفانه نیست!



بل مونی
ترجمه‌ی داوود شعبانی داریانی
تصویرگر: مارگرت چمبرلین



فهرست

- درباره‌ی نویسنده ۵
- نامه‌ای از طرف کیتی ۷
- این منصفانه نیست که من کوچکم ۹
- این منصفانه نیست که مردم تحمل یک شوخی ساده را ندارند ... ۱۷
- این منصفانه نیست که او دیرتر از من بخوابد ۲۵
- این منصفانه نیست که نمی‌توانیم بیشتر بمانیم ۳۳
- این منصفانه نیست که همیشه تو برنده بشوی ۴۳
- این منصفانه نیست که خیلی چیزها منصفانه نیستند ۴۹
- این منصفانه نیست که او بیشتر از من می‌گیرد ۵۷
- این منصفانه نیست که من همه‌ی کارها را انجام بدهم ۶۵

این منصفانه نیست که من کوچکم

کیتی کوچک‌ترین دختر کلاس بود. او معمولاً به این مسئله توجهی نداشت. می‌توانست خوب شنا کند و مثل خیلی از آدم‌های دیگر تند بدود. خب، البته تقریباً. یک روز توی مدرسه، در مسابقه‌ی قاشق و تخم‌مرغ^۱ اول شد و آن روز کیتی فکر کرد که کوچک بودن، زیاد مهم نیست.

ولی روزی، اتفاقی افتاد که باعث شد نظرش عوض شود. آن روز، از آن روزهایی بود که هیچ کاری درست پیش نمی‌رفت.

اول از همه، پسر جدیدی، به کلاس‌شان آمد که اسمش

۱. نوعی بازی دسته‌جمعی که شرکت‌کنندگان با قاشقی که توی آن یک تخم‌مرغ است، می‌دوند و هر کس بدون آنکه تخم‌مرغش را بیندازد، زودتر به خط پایان سابقه برسد، نفر اول است.